

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

سه شنبه ۲۲ دسامبر ۲۰۲۰

فریده نوری

این چه شوریست که در دور قمر می بینم

این چه شوریست که در دور قمر می بینم

همه آفاق پر از فتنه و شر می بینم

کجا شد آن افغانستان آزاد و افغانان با صفا و غیور آن مرز و بوم، که جهت آزادی وطن خود دلیرانه جنگیدند و با دو ملیون شهید و صد ها هزار معیوب و ملیون ها آواره، وطن را از یوغ ابر قدرت جنایتکار که با بیش از یک صد هزار اردوی سرخ، جواسیس (ک ج ب) و همکاران داخلی آنها، همانا حزب نادیموکراتیک خلق و پرچم که تعداد شان از پنج هزار زیادتتر نبود، اما از خون آشامی شان افسانه های وحشتناک به جا ماند، جنگیدند و این مبارزین و قهرمانان راه آزادی وطن به قیمت جان های شریین شان، افتخار حاصل نمودند و آزادی وطن را از تهاجم خونین ابر قدرت شوروی به دست آوردند.

اما دیده می شود که تعدادی از بقایای آن حزب کمونیست خونخوار، این قهرمانان و مبارزین مقاومت در برابر قشون سرخ و سر سپردگان افغان شان، به نام دشمنان یاد می کنند. یکی از این اشخاص که خود را مؤرخ می گوید و از القاب فراوان اکادمیک برخوردار می باشد و نام خدا شنیده ام که کتاب های فراوان نیز به چاپ رسانده است، مربوط به همین حزب و یکی از اعضای آن می باشد.

همان حزب که در ویرانی مملکت دست های شان از کشتن مردم بی گناه غرق در خون بوده و تهداب جنایت و آدم کشی را گذاشتند. این کاندید اکادمیسین به عوض این که دلش به حال وطن و وطندارانش بسوزد، در مرگ یک کمونیست و وطن فروش دیگر نوحه سرائی سر داده و برای دفاع از آن جنرال و داکتر کمونیست با وجودی که شغل مقدس طبابت برایش اجازه تبعیض قائل

شدن بین مریضان و زخمیان جناح های مختلف و مخالف را نمی دهد، زیرا برای یک طبیب شائسته نیست که در تداوی مریضان و زخمیان دوست و دشمن را تبعیض نماید. لکن کاندید اکادمیسین محترم برای دفاع از جنرال صاحب سهیلا صدیق، رزمندگان سرفراز مقاومت و آزادی را، دشمنان قلمداد نموده و به داکتر جنرال سهیلا صدیق حق می دهد که از تداوی آن ها اجتناب می کرد.

"شفاخانه 400 بستر اردو چنانکه از نامش پیداست مختص به اردوی دولتی بود نه مربوط به مجاهدین . زیرا مجاهدین دشمن اردوی دولتی بشمار میرفتند و منسوبین اردو دشمن مجاهدین. پس در اینصورت وجود مجروحین مجاهدین در چهاربستر شبیه هذیان گویی است. سیستمی" عجب منطق را جناب محترم مؤرخ و اکادمسین سیستمی صاحب برای دفاع از آن جنرال داکتر صاحب به کار می برند.

همچنین این محترم برای دفاع از آن خائن تاریخ، به خود اجازه توهین به دانشمند، نویسنده توانا و مجرب، جناب انوری را می دهد و از طریق مدیایی مجازی با نثار نمودن چند دروغ شاخدار به سرزنش وی می برآید.

به اطلاع جناب مؤرخ صاحب رسانیده می شود که آقای انوری زمانی که کودتای منجوس و خونین حزب نایموکراتیک به وقوع پیوست، بیش از هژده یا نژده سال عمر نداشت که مجبور به ترک وطن شد، فلذا اتهامات جناب شما قابل توجیه نیست.

عجب دنیایی شده است، به عوض این که، کلان سالان به تشویق جوانان بپردازند، که از جبر روزگار وطن را ترک کردند، در بدر و بی خانمان شدند، با آن هم کوشیدند که زبان مادری خود را فدای زبان ممالک میزبان خود نمایند، در بین شان یکی از این نخبگان محترم انوری می باشد که وجودش باعث افتخار است، لکن دیده می شود که به عوض تشویق برای سرزنش شان پا لچ می نمایند.

زیرا محترم انوری با نبشتن مضامین متنوع با یک دری فوق العاده بلند و فارغ از اغلاط املائی و انشائی می خواهد نسل جوان امروز را از حقیقت آگاهی دهد.

اما دیده می شود که بر علاوه اعضای حزب نایموکراتیک خلق و پرچم، که فکر می کنند که شاید باز روزی میدان برای شان خالی شود، به تبلیغات خود از طرق مختلف می پردازند و هم می کوشند تا همه را یکی به جان دیگر بیندازند. بعضی دیگر از نویسندگان نیز که معلوم نیست چه تکلیف دارند، همه یکی به جان دیگر افتاده اند.

از برای خدا، از بد گفتن و دشنام دادن مؤرخین بگذرید، شما ها باید برای نسل های آینده که به غیر از بدبختی و جنگ چیزی دیگری ندیده اند، درس محبت و همزیستی بیاموزید، نه این که همه روزه با بدگویی ها به مؤرخین محترم مانند محترم غبار، محترم فرهنگ، محترم رشتیا و یا شعرای بی بدیل معاصر و امثالهم وقت خود را تلف کنید.

به خدا بسیار حیف است که به عوض این که از این وسایل تنویری که توسط محترمین آمران و بسایت ها به دسترس تان قرار داده شده است، راه حل برای نجات وطن که در آن حالت بربریت حکمفرماست استفاده کنید و یا برای تنویر و آگاه ساختن نسل جوان امروزی که به غیر از خون، وحشت و ویرانی چیزی دیگر ندیده اند، استفاده نمائید، تخم دشمنی می کارید.

ناگفته نباید گذاشت که دشمن افغان و افغانستان همان هائی اند که ثبات مملکت را با کودتا و دعوت نمودن اردوی سرخ شوروی برهم زدند، البته وقایع بعدی همه از همان کودتا سرچشمه می گیرد. امید است که روزی وطن آرامش خود را بیابد تا بتواند عاملین بربادی افغانستان عزیز را به میز محاکمه بکشانند.

زیرا حالت فعلی افغانستان ناشی از همان کودتا است، و این هم واضح و هویدا می باشد تا زمانی که انتقام از بربادی وطن و شهدای راه آزادی و هم آن هائی که بعداً مرتکب جنایات شدند، گرفته نشود، آرامی نخواهد آمد.

پند حافظ بشنو خواجه برو نیکی کن

که من این پند به از نر و گهر می بینم